

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با مصطفی فتاحی، تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی «نگاتیو پلاس»

روایت فتحی که نا تمام ماند

کیان‌تصدیق‌مقدم خبرنگار

جنگ بین ایران و عراق که در سال ۱۳۵۹ آغاز شد و همگان آن را با عنوان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس یاد می‌کنند طولانی‌ترین جنگ در قرن بیستم میلادی بوده است. در این میان، انتقال داستان این افتخار بزرگ از سوی کشور ما به نسل‌های آینده بسیار مهم است. از این جنگ هشت‌ساله تاکنون برنامه‌های مختلفی در رسانه‌های داخلی و خارجی ساخته و پخش شده است. از سال‌های گذشته تاکنون برای انتقال این امر هر ارگانی که توانایی نقش‌آفرینی در این زمینه داشته، اقدامات لازم را انجام داده است. کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان مختلف با تفکرات متفاوت سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی را با موضوع دفاع مقدس ساخته‌اند و نویسندگان هم با کتاب‌ها و رمان‌های خود در حفظ این امر دخیل و شریک بوده‌اند. دفاع مقدس موضوعی است که اگر برای نسل‌های بعد بازگو شود بیشتر می‌تواند شبیه داستان‌های باورنکردنی باشد. دفاع مقدس الگویی برای مردم بود تا ایستادگی را یاد بگیرند و بی‌تردید باید جلوی فراموش شدن آن را گرفت. فیلم و سریال‌هایی با موضوع دفاع مقدس به‌مرور زمان کم‌رنگ شد وتولیدکنندگان فراموش کردند که می‌توانند فیلم و سریال‌هایی با این موضوع تولید کنند. حالا در این میان گروهی پیدا شده که ساخت چنین برنامه‌هایی را ضروری می‌دانند. اعضای این گروه معتقد هستند که دفاع مقدس و موضوعات مرتبط با آن نباید فراموش شود و این امر می‌تواند به‌واسطه ساخت فیلم، سریال یا مستند تحقق یابد. به‌واسطه این گروه یک مجموعه تلویزیونی به‌نام «نگاتیو پلاس» به کارگردانی محمدهله امیری و تهیه‌کنندگی مصطفی فتاحی تولید شده که از شبکه مستند پخش می‌شود. موضوع این مستند جنگ هشت‌ساله دفاع مقدس است. در این مجموعه به معرفی چهره‌های دوران جنگ عراق همچون «شهید اسماعیل ذوقایی»، «شهید ولی‌الله فلاحی»، «آیت‌الله طالقانی»، «شهید صیادشیرازی»، «شهید یوسف کلاهدوز و...» پرداخته می‌شود. برای معرفی برنامه «نگاتیو پلاس» با مصطفی فتاحی، تهیه‌کننده آن گفت‌وگو کردیم.

فتاحی در توضیح ایده ساخت این مجموعه گفت:

«موضوع «نگاتیو پلاس» به اتفاقات و پشت‌پرده

جنگ بین ایران و عراق از قبل شروع تا قطعنامه ۵۹۸ می‌پردازد. یعنی اتفاقاتی که در این سال‌ها در جنگ مطرح شده و پشت‌پرده ماجراها و آدم‌هایی است که در این سال‌ها کمتر به آنها پرداخته شده است. فصل اول این مجموعه ۵۲ قسمت دارد که هرکدام بین ۴۸ تا ۵۰ دقیقه است.» وی همچنین ادامه داد: «ممکن است این مجموعه فصل دومی هم داشته باشد، زیرا ما در این ۵۲ قسمت به پایان کار نمی‌رسیم. این برنامه تولید سال ۱۴۰۰ است.»

کرونا تأثیر چندانی نداشت

فتاحی در رابطه با تأثیر کرونا بر روند تولید مجموعه پاسخ داد: «ما در این مجموعه یک استودیوی کوچک با آدم‌های مشخص داشتیم و مصاحبه بیرونی نداشتیم حتی مجری و کارشناس‌های برنامه ثابت بودند؛ به همین دلیل کرونا خیلی برای کار ما مشکل‌ساز نبود فقط تنها تأثیر آن از لحاظ قیمتی بود یعنی اگر کرونا نبود یک‌سری مسائل جانبی وجود نداشت و برای ما به‌صرفه‌تر بود.»

باید اتفاقات را به نسل بعدی انتقال دهیم

وی هدف خود از انتخاب چنین موضوعاتی را این‌طور توضیح داد: «مجموعه ما بیشتر در دهه شصت و قبل از آن کار می‌کند و چندین اثر بسا این موضوعات هم داریم. مستند «کمیت» که در جشنواره فجر هم حضور داشت نمونه‌ای از کارهای ماست. همچنین برنامه‌های مختلفی در رابطه با رزمندگان تولید کردیم. هدف ما این است که اجازه ندهیم تاریخ جنگ فراموش شود. ما در این حوزه به‌صورت تخصصی فعالیت می‌کنیم و هدفمند هستیم. از نظر من و گروه‌م ما از این بخش غافل شده و نتوانسته‌ایم اتفاقاتی را که در دهه شصت افتاد از این نسل به نسل بعدی انتقال دهیم.»

دشواری‌ها در کار تاریخی بیشتر است

این تهیه‌کننده راجع به سختی تولید کارهای تاریخی گفت: «کار تاریخی دشوار است، زیرا آدم‌هایی که راجع به آنها صحبت می‌شود، حضور ندارند و اتفاقاتی که افتاده برای گذشته بوده و ممکن است شما دچار اشتباهاتی شوید و یک‌سری مطالب را درست و بعضی را ناخواسته اشتباه انتقال دهید.» همچنین ادامه داد: «به همین دلایل کارهای تاریخی حساسیت‌های ویژه‌ای دارند. به‌علاوه برای پیدا کردن تصاویر آرشیوی و گفت‌وگوهای قدیمی یا اصلا گفت‌وگو با آدم‌هایی که در آن زمان تأثیرگذار بودند و الان هم حضور دارند یک‌سری چالش‌ها وجود دارد که بعدا سنگ جلوی راه می‌شود و این مشکلات در چنین کارهایی زیاد است.»

تولیدکنندگان حوصله کنکاش در تاریخ را ندارند

فتاحی در پاسخ به اینکه ضرورت ساخت برنامه‌ای با این موضوع در چیست، گفت: «نگاه کنید هنوز غرب در رابطه با جنگ جهانی و آدم‌هایی که در آن زمان حضور داشتند و کارهایی که انجام دادند به دروغ کار می‌کند و فیلم می‌سازد. از یک شکست جوری فیلم می‌سازند که



انگار با موفقیت و پیروزی از جنگ بیرون آمدند. آن‌وقت ما همه این افتخارات را داریم ولی به آن نمی‌پردازیم. به جای اینکه روی تیشتر و کیف‌های نسل جدید عکس بتمن و سوپرمن باشد، می‌شد از آدم‌های واقعی که وجود دارند، استفاده کرد. قصه زندگی و کارهایی که آنها کردند جوری است که اگر برای نسل الان تعریف کنیم، باورشان نمی‌شود. این موضوع باید به نسل‌های بعدی انتقال داده شود.» وی در پاسخ به اینکه دلیل عدم استفاد از این تصاویر چیست و چرا نسل جدید قهرمانان خود را نمی‌شناسند و باید برای آنها چه کارهایی انجام داد، گفت: «کسانی که در این حوزه کار می‌کنند و به این موضوعات علاقه دارند، کم هستند و بچه‌های مستندساز و برنامه‌ساز خیلی حوصله کنکاش در تاریخ را ندارند و این دلیل عدم استفاده نوجوانان و جوانان است. البته که در این چند سال اتفاقات خوبی افتاده و هم مستند هم برنامه تلویزیونی با چنین موضوعاتی درحال تولید است. دوستان در لایه‌های تاریخی کنکاش می‌کنند تا بتوانند موضوعی پیدا کنند و برنامه‌هایی با سوزه‌های جذاب بسازند. برای اینکه نسل‌های جدید بتوانند این قهرمانان را بشناسند باید برنامه‌هایی با موضوعات دفاع مقدس ساخته شود.»

تمرکز مستندسازان روی موضوع مدافعان حرم است

فتاحی در پاسخ به اینکه چرا همکاران شما کارهای تاریخی با موضوع دفاع مقدس تولید نمی‌کنند، گفت: «یکی از دلایل ساخته نشدن برنامه‌هایی با موضوع دفاع مقدس اتفاقات پیش‌آمده در سوریه و عراق است. بعد از اتفاقاتی که در سوریه و عراق افتاد و به اصطلاح بچه‌های مدافع حرم که به سوریه رفتند و در آنجا شهید شدند خیلی از مستندسازان و تولیدکنندگان تمرکز خود را روی ساخت مستندهایی با موضوع شهدای مدافع حرم و خانواده‌های آنها گذاشتند و بعد از این کم‌کم دفاع مقدس فراموش شد. به نظر من اتفاق دفاع مقدس

آموزشی برای مدافعان حرم بود و با الگوبری از دفاع مقدس بود که روحیه مبارزه‌طلبی در آنها فعال شد، با این حال دفاع مقدس به‌مرور به حاشیه کشیده و محو شد بدون اینکه کسی متوجه آن شود.»

هنوز برای این برنامه تبلیغ نشده است

وی در رابطه با مخاطب هدف برنامه و میزان استقبال گفت: «تا الان سه قسمت از برنامه پخش شده و تقریباً تبلیغاتی برای این کار نشده، زیرا ما مشغول رساندن برنامه برای پخش بودیم و فرصت تبلیغات نداشتیم. چیزی که‌از شبکه مستند به‌من گفتند این بود که از پخش قسمت‌اول و فعالیت‌هایی که در فضای مجازی شد بازخوردها همه خوب و مثبت بوده و دلیل آن هم این است که ما در این مجموعه صحبت‌هایی می‌کنیم که تاکنون گفته نشده و در هر بخش گفته‌های تأثیرگذاری می‌شود که سال‌ها زیر خاک بوده و غباری روی آنها را گرفته و ما این غبارها را کنار زدیم و آنها را بیسان کردیم.» وی در ادامه گفت: «مخاطبان برنامه بی‌تردید جوانان هم هستند، کسانی که اهل پژوهش و تفکر و اهل فکر کردن باشند قطعاً در دسته مخاطبان این برنامه قرار می‌گیرند. تا الان سه قسمت برنامه پخش شده و به‌طور دقیق تعداد مخاطبان رانی‌توان تعیین کرد. میانگین آن فعلاً مشخص نیست اما پیامک‌هایی که برای هر قسمت دریافت کردیم بالای دویست عدد بوده، آن هم بدون تبلیغ و اینکه بخواهیم برای برنامه کار خبری انجام دهیم. شما اولین کسی هستید که برای معرفی برنامه با من تماس گرفتید.»

مخاطب برای ما مهم و ارزشمند است

این تهیه‌کننده در رابطه با ارزش و جایگاه مخاطب گفت: «دو بحث در این قسمت وجود دارد یکی اینکه بعضی اوقات کاری تولید می‌کنید که بعداً برای شما فرنس یک اتفاق می‌شود. مثلاً من یک‌بار برای همیشه در سال گذشته فیلم «کمیت» را ساختم و در آن صفر تا صد فیلم را گفتم. مخاطب آن قطعاً مثل خیلی از مستندهای دیگر نیست که تعداد میلیون‌ی داشته باشد. ناگفته نماند که به نسبت موضوع مخاطبان خیلی خوبی هم داشت. لیکن این فیلم فرزنس شده، یعنی هرکسی که رابطه با کمیته‌مطلبی بخواهد برای مطالعه یا نوشتن به این فیلم مراجعه می‌کند. این کار هم که ما امروز درحال انجام آن هستیم یک فرنس است. به نظر من کسی که می‌گوید تعداد مخاطب برای ما بی‌اهمیت است یا دغدغه ما نیست، اشتباه می‌کند یا کم‌لطفی، زیرا شما برنامه را تولید می‌کنید که دیده شود و مخاطب خوبی هم داشته باشد. برنامه‌ها را برای آرشیو کردن تولید نمی‌کنیم. برای ما مخاطب بسیار مهم است، تلاش کردیم مجموعه چه از لحاظ ساختاری و فضای برنامه و چه مطالب دقیقی که ارائه می‌دهیم مورد پسند مخاطب قرار گیرد و موقی که بینندگان ما مطالب را می‌شنوند از آن لذت ببرند.»

فتاحی در رابطه با تأثیر شبکه مستند در گسترش

علاقه به این ژانر، گفت: «شبکه مستند انصافاً چه از

زمان آقای غفوری و الان هم در زمان جناب یزدی که

مدیر این شبکه هستند، پای کار بچه‌های برنامه‌ساز و

مستندساز بوده و همکاری بسیار خوبی داشته است.

باید از مسئولان این شبکه تشکر کرد، زیرا نه‌تنها با طیف

ما بلکه با همه تولیدکنندگان کار می‌کنند و همکاری

لازم را انجام می‌دهند و مسیر را برای ما هموار می‌کنند.

شبکه مستند جزء شبکه‌های پربیننده تلویزیون و در

رتبه‌بندی بین پنج شبکه پربازدید تلویزیون است. نکته

قابل بیان اینکه مجری طرح این مجموعه مرکز هنری

رسانه‌ای محرم است.»

یادداشت

قهرمان؛ برمدار ایمان

محمدحسین آشنا

روزنامه‌نگار

جایی از کتاب وزین «بوطیقای گسست»، مازیار اسلامی جملهای درخشان درباره‌اصغر فرهادی نوشته‌است: «این خصلت‌ناهمسازفیلم‌های فرهادی است: عملیات‌رستگاری و نجات مداوم و پیوسته که عمیقاً و باطناً نومیثانه است. اگر امکانی هم باشد، تنها با پذیرش نومیدی و ناممکنی موجود در آن متصور است.» این توصیف عمیق‌رامی‌توان به‌جرات، جان‌مایه‌جهانی دانست که‌اصغر فرهادی در مقام یک مولف برجسته‌معاصر، با فیلم‌های خود برمی‌سازد. «قهرمان» را نیز دقیقاً می‌توان از همین منظر نگریست. داستان آخرین فیلم فرهادی از جایی شروع می‌شود که رحیم، از زندان مرخصی می‌گیرد تا باسکه‌هایی که دوست‌دخترش اتفاقی در خیابان پیدا کرده، بتواند رضایت شاکی‌اش را جلب کند. رحیم پس از آنکه متوجه می‌شود با این تعداد سکه نمی‌تواند طلبش را بپردازد، تصمیم می‌گیرد صاحب اصلی سکه‌ها را پیدا کند و این امانتی را به او بازگرداند. او با این کار، ناخواسته تبدیل به یک قهرمان بزرگ می‌شود و نزد همگان اعتباری غیرمنتظره کسب می‌کند. چالش اصلی اما تازه از این جا آغاز می‌شود.

فرهادی تقریباً در تمامی آثارش موکداً به مخاطب گوشزد می‌کند که همه‌چیز این

جهان برخلاف ظاهر ساده و سرراستش، چقدر یغرنج و پیچیده است. در نسخه‌ای

که فرهادی برای نقش اول فیلم جدیدش پیچیده نیز، قهرمان مسیری فواره‌مانند

را طی می‌کند و یک‌شبه از فرش به عرش رفته و سپس به همین سرعت در آستانه

نابودی کامل قرار می‌گیرد.

فیلم‌پیوسته به تناقض موجود در افعال و کنش‌های انسان در جهان معاصر اشاره کرده

و بادست‌مایه‌قراردادن بحران بازنمایی وقضوت در شبکه‌های اجتماعی، نسبی‌گرایی

اخلاقی فیلمساز را متذکر می‌شود. این نسبی‌گرایی‌رامی‌توان در سولاتی که فرهادی

استادانه در ناخودآگاه مخاطب خویش کاشته و او را با این موقعیت‌های اخلاقی رها

می‌کند، مشاهده کرد؛ موقعیت‌های چالش‌برانگیزی که در آنها نمی‌توان هیچ‌پاسخ

سراست و مطلق‌ی درباره‌درست و نادرست یاخیر و شر ارائه داد. همه‌چیز در هم آمیخته

شده وخیر، لزوماً میزانی از شر را باخود به‌همراه دارد و بالعکس. این سطح از پیچیدگی

در وصف جزئیات کنش اخلاقی تنها از فرهادی برمی‌آید و همین شاخصه است که

عمده فیلم‌های او را در سطحی بالاتر از سینمای ایران قرار می‌دهد.

فرهادی اینجا نه برخلاف سنت پیشین، که از قضا در تکمیل مسیر معرفتی‌ای که

در پیش گرفته، دست به امری بی‌سابقه زده و به جای پردازش شخصیت‌های تماماً

خاکستری، شمایل یک قهرمان را به مخاطب عرضه می‌کند و حتی فراتر از آن، به‌شکلی

طلعنه‌آمیز نتوان فیلم خود را نیز «قهرمان» می‌گذارد. رحیم در مسیر تبدیل شدن به

قهرمان واقعی، از پله‌های لرزان شهرت کاذبی که به دست مردم بر ساخته شده بالا

می‌رود؛ سپس به بدترین شکل سقوط می‌کند و در پایان با ترجیح گمنامی بر شهرت

و اسارت بر آزادی به افتخار قهرمانی نایل می‌شود. در واقع همین وضعیت متناقض

تحقق کامیابی از دل ناکامی است که فیلم متأخر اصغر فرهادی را تبدیل به یک

دست‌آورد چشمگیر در کارنامه او می‌کند و حتی اجازه می‌دهد تا بر معدود لحظاتی

که در آنها فیلم از منطق درونی خود خارج شده و به آفت بیابانه‌خوانی می‌افتد، چشم

پوشیم. مسیری که رحیم برای رسیدن به رستگاری طی می‌کند به نحوی ریل‌گذاری

شده که ما را بسوسه می‌کند تا آن را با دوگانه اخلاقی و ایمان در کتاب «ترس و لرز»

اثر «سورن کی‌یرگور» مقایسه کنیم. در این کتاب نویسنده اجمالاً بیان می‌کند امر

اخلاقی اساساً در خود میزانی از افشاگری و خودستایی را به همراه دارد؛ اما بالاتر

از آن، رسیدن به درجه ایمان است که فرد در آن همانند ابراهیم نبی (ع) در ماجرای

قربانی کردن فرزندش، اخلاق را نادیده می‌گیرد و با پذیرش رنج حاصل از سکوت در

برابر عمل یارادوکسیکالی که انجام می‌دهد، به رستگاری واقعی دست می‌یابد. کنش

قهرمانانه رحیم در پرده سوم فیلم و در آنجا که علی‌رغم منفعت شخصی و خانوادگی،

با سرپرست زندان گلاویز شده و مصرانه از او می‌خواهد که فیلم داخل گوشی‌اش را

پاک کند، به‌شدت قابلیت تفسیر از این منظر را داراست.

نکته برجسته دیگر در مورد فیلم آن است که شخصیت قهرمان را نه‌تنها به مخاطب

تحمیل نمی‌کند؛ بلکه این سوال را نزدوی پدیدارگامی می‌گذارد که «آیا اساساً قهرمان بودن

در زمانه ما کار می‌کند؟». به‌عبارت دیگر فرهادی حتی در جایی که دست به ناپرهیزی

زده و داستان خود را بر محور یک قهرمان بنامی‌کند، باز هم راه را بر تفسیرهای مختلف

باز می‌گذارد؛ تا جایی که حتی بتوان ضدقهرمان فیلم یعنی بهرام را به معنایی به‌عنوان

قهرمان واقعی داستان شناسایی کرد. فیلم اگرچه در نهایت رستگاری قهرمان را جز در

کناره‌گزینی و بازگشت خودخواسته به اسارت نمی‌بیند، اما به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را

برآمده از انفعال یا واپس‌گرایی فیلمساز تعبیر کرد. حتی اگر در مقام مخاطب موضعی

متفاوت با فیلمساز داشته باشیم هم باید بپذیریم درون جهانی که فیلم، داستان خود

را بر آن بنا کرده اتفاقاً تصمیم قهرمان در تحقق این انزواي خودخواسته و گریزناپذیر،

عملی به‌شدت رادیکال و پیشرو به حساب می‌آید.



روایت جنگ؛ اشک‌ها و لبخندها

کردند و نسل‌هایی که در سطوح پایین‌تر با آن مواجه شدند، حاضرند و بسیاری

خود را صاحب‌نظر و روایت خود را فصل الخطاب می‌دانند و هر آنچه برخلاف آن

گفته‌شود یک‌سره مردودی‌شمارند. سختی دوم آن است که ما با یکی از مهم‌ترین

نمادهای یک ملت مواجهیم؛ مقطعی که به‌پخش جان‌شدنی از فرهنگ و هویت

ملی ایران تبدیل شده است و هرچه این پیوند مستحکم‌تر و ناگسستنی‌تر، روایت

صریح و بدون لکت‌ن آن نیز دشوارتر. خون بیش از ۲۰ هزار زن و مرد، پیر و جوان

که در پای این ایمان و عقیده نهفته در پس این جنگ ریخته شده، هر قلمی را در

نقد و روایت صریح از آن می‌لرزاند. با این حال، جنگ تحمیلی از آنجا که فرآیندی

انسانی بوده (به این معنا که انسان‌ها هرچند عزیز و پاک‌رغم‌زننده آن هستند)

می‌تواند دارای نکات ضعف و قوت زیادی باشد؛ چه آنکه جوانان ایران به‌عنوان

مهم‌ترین فعالان این صحنه بزرگ، بدون هیچ تجربه قبلی در بزرگ‌ترین میادین

نبرد، در برابر استخوان‌خردکرده‌های متکی به پشتیبانی ابرقدرت‌های شرق و غرب

آن روز ایستادند. دفاع مقدس همچون هر رویداد تاریخی، مملو از پیروزی‌ها و

شکست‌ها و اشک‌ها و لبخند هاست، و بیان پیروزی‌ها در کنار شکست‌هاست

که می‌تواند اوج اینا و از خودگذشتگی و البته عقلانیت مبتنی بر انقلابی‌گری

جوانان، فرماندهان و رهبران آن روز این مرز و بوم را به نمایش بگذارد. از نسو

دیگر، مسیر تحریف و تاریخ‌سازی در این حوزه خاص، بیش از یک دهه است که

با سرعتی چشمگیر آغاز شده و ایستادگی در برابر این موج خصمانه تکلیفی است

بر دوش محققان و پژوهندگان آزاده و منصف. بی‌عملی و رکود آرمان‌ستیزانه دهه

برخی پژوهندگان حوزه تاریخ

معتقدند هر اتفاقی و رویداد را

می‌بایست لااقل صد سال پس

از آن مجدداً بازخوانی کرد تا در

نبود افراد دخیل یا ذی‌نفع در آن حادثه، به نگارندگان و پژوهشگران اجازه بدهد

فارغ از ملاحظات و تصرفات موافقان و مخالفان نسل اول- که طبیعتاً نسبت به

آن حوادث جبهه‌گیری شخصی نیز دارند- موشکافانه‌تر و صریح‌تر به جزئیات

بپردازند؛ هرچند اینکه چه کسی با کسانی قرار است روی این رویدادها باشند،

اهمیتی ویژه دارد. اکنون بیش از ۴۰ سال از آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق

علیه ایران و بیش از ۳۰ سال از پایان آن می‌گذرد. در طول این سال‌ها روایات

مختلفی از این طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم و مهم‌ترین رویداد تاریخ انقلاب

اسلامی نگاشته و بیان شده و از دل آن بسیاری از نکات و جزئیات بیرون آمده که

اغلب سرشمشامباحثات و مجادلات گسترده و حتی نزاع‌های مختلف شده است.

اینکه «جنگ چرا و چگونه آغاز شد، چرا» سال‌ها ادامه پیدا کرد و چرا در نهایت با آن

شکل به پایان رسید؟»، سرفصل‌های مهم‌ترین مقاطع این جنگ است و در دل

خود موضوعات متعددی دارد که هرکدام می‌تواند به‌بحثی طولانی میان موافقان

و مخالفان تبدیل شود. روایت جنگ اما در کنار شیرینی تاریخی خود، سختی

مضاعفی هم دارد. یک سختی شاید به همان دلیلی باشد که در ابتدای این متن

به آن اشاره شد؛ هنوز نسل‌هایی که مستقیم در این رویداد مهم نقش‌آفرینی